



ISSN:2588-7033



The role and military presence of the Qaraguzlu in the wars of consolidating Qajar power (From the beginning to the start of the Nasiri era)

Habib sharafi safa^{a*}

^a Assistant Professor, Department of History, Sayyed Jamaledin Asadabadi University, Asadabad, Iran

KEYWORDS

Qaraguzlu, Qajar period, consolidation of power, tribes and clans, Hamadan

Received: 21 May 2025;
Accepted: 24 September 2025

Article type: Research Paper
DOI:10.22034/hsow.2025.2061338.1616

ABSTRACT

The Qaraguzlu clans, a Turkmen tribal federation, settled in the Hamadan region, were regarded as key allies of the Qajar rulers. Their presence across different areas was shaped by natural–geographical factors, security concerns, and Qajar defensive policies. Accordingly, the clans’ deployment in various parts of Iran was closely tied to the scale and intensity of unrest, rebellions, foreign incursions, as well as to their loyalty and valor during battles. This analysis rests on the assumption that the Qaraguzlu presence over time and across diverse geographical scales reflected specific security–border missions and the defensive mechanisms of the Qajars. Therefore, their presence can be interpreted as that of a local tribe with strategic functions in three main domains: border security, internal control, and participation in operations aimed at consolidating sovereignty. Employing a descriptive–analytical method and frequency charts, this study examines the Qaraguzlu contribution to the consolidation of the Qajar government. The findings indicate that southern Iran—particularly Fars Province, with 27 percent of the Qaraguzlu’s military missions—ranked highest among the forefront of military engagements. Moreover, the tribe’s most significant military involvement occurred during 1209–1248 AH, a period marked by foreign invasions and internal unrest.

* Corresponding author.
E-mail address: h.sharafisafa@sjau.ac.ir
©Author





نقش و حضور نظامی قراگوزلوها در جنگ‌های تثبیت قدرت قاجار (از آغاز تا شروع عهد ناصری)

حبیب شرفی صفا الف*

الف استادیار، تاریخ ایران دوره اسلامی، سید جمال الدین اسدآبادی، اسدآباد، ایران، h.sharafisafa@sjau.ac.ir

چکیده	واژگان کلیدی
قراگوزلوها از ایلات ترکمن ساکن در نواحی همدان و از متحدهای حاکمان قاجار به حساب می‌آمدند. حضور این طایفه در مناطق مختلف به واسطه مؤلفه‌های طبیعی-جغرافیایی، عوامل امنیتی و سیاست‌های دفاعی قاجاریه صورت می‌گرفت. لذا حضور این طایفه در نقاط مختلف ایران بر میزان و شدت ناآرامی‌ها، شورش‌ها، حملات و تجاوزات قوای بیگانه و نیز وفاداری و رشادت‌های آنان در طول نبردها بستگی داشت. این تحلیل بر این فرض استوار است که حضور قراگوزلوها در طول زمان و در سطوح جغرافیایی متفاوت، بازتابی از مأموریت‌های مشخص امنیتی-مرزی و سازوکارهای دفاعی قاجارها است. بنابراین، می‌توان حضور آنان را به عنوان یک طایفه محلی با کارکردهای استراتژیک در سه محور اصلی امنیت مرزی، کنترل داخلی و مشارکت در عملیات‌های تثبیت حاکمیت تبیین کرد.	قراگوزلوها، دوره قاجار، تثبیت قدرت، ایل و طوایف، همدان
این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و نمودارهای فراوانی، حضور قراگوزلوها را در تثبیت حکومت قاجار بررسی می‌کند. نتایج بررسی نشان می‌دهد که مناطق جنوبی ایران، به‌ویژه فارس با ۲۷ درصد مأموریت‌های نظامی قراگوزلوها، در صدر مأموریت‌های جنگی این گروه قرار داشته و بیشترین مشارکت نظامی این طایفه نیز در بازه زمانی سال‌های ۱۲۰۹ - ۱۲۴۸ ه.ق بوده که کشور عرصه تهاجمات خارجی و ناآرامی‌های داخلی بوده است.	تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۲/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۷/۰۲ مقاله علمی پژوهشی

مقدمه

تیره «قراگوزلو» که بهتر است وجه تسمیه آنان را همان «سپه چشمان» بدانیم (اذکایی، ۱۳۶۶: ۲۲۸)، از طوایف ترک‌زبان اطراف همدان هستند. پیشینه تاریخی این گروه، همچون وجه تسمیه آن، با اختلافاتی همراه بوده و برخی آنان را با «قراگوز» در منابع تاریخی عهد سلجوقی و پس از آن یکسان پنداشته‌اند (الوندی، ۱۳۹۸: ۱۷-۱۲). برخی محققان دیگر نظیر پرویز اذکایی، کاملاً این احتمال را مردود دانسته و کنش‌گری سیاسی-نظامی قراگوزلوها در ایران را از آغاز دوره صفویه دانسته‌اند (اذکایی، ۱۳۶۶: ۲۲۸). گزارش منابع نشان می‌دهد که قراگوزلوها پس از سقوط سلسله صفویه کمتر در عرصه‌های سیاسی-نظامی حضور یافته‌اند که این امر می‌تواند به علت سیاست سازشکارانه آنها در قبال قدرت‌های نوظهور بوده باشد؛ که چنین رویکردی پس از کشته شدن نادرشاه (۱۱۶۰ق) نیز همچنان ادامه یافته و آنان توانستند از املاک خود در همدان محافظت کنند. قراگوزلوها با ظهور آقا محمدخان قاجار (۱۲۱۲ق) از وی حمایت کرده و او را در براندازی خاندان زند «جعفرخان» و «لطفعلی خان» و برپایی دولت قاجار یاری رساندند. پس از قتل آقا محمدخان تقریباً همه خوانین قراگوزلو در خدمت شاهزاده محمدعلی میرزا، نایب ایالت فارس، مأمور انتظام امور آن سامان شدند.

* نویسنده مسئول

بر اساس آمارهای موجود قراگوزلوها در ایالت فارس و محلات آن بیشترین حضور و مشارکت نظامی را داشته‌اند که علت آن می‌تواند در گستردگی این ایالت، حضور اقوام و گروه‌های مختلف ترکمن و برخی ناآرامی‌های برآمده از حضور فرقه‌های مذهبی بوده باشد. همچنین فارس به عنوان پایگاهی برای قوای قراگوزلو جهت حضور در بنادر به حساب می‌آمده است. به‌ویژه که مناطق جنوبی ایران مورد حملات گسترده اعراب خلیج و قوای انگلیسی بوده و همین موضوع احتمالاً حضور پررنگ قراگوزلوها را ایجاب می‌کرده است. پس از آن نیز ایالت‌های خراسان و افغانستان و کرمان و آذربایجان قرار داشته‌اند که از شرایط یکسانی به لحاظ گستردگی سرزمینی و تهاجمات خارجی با فارس برخوردار بوده‌اند؛ و همین موضوع در میزان حضور و مشارکت نظامی قراگوزلوها در این ایالت‌ها دخیل بوده است. اما در مناطق مرکزی و غربی ایران که کمترین حضور نظامی قراگوزلوها مشاهده می‌شود، دخالت‌های خارجی کمتری را تجربه کرده و تنها برخی تحرکات مخالفان داخلی قاجارها، از جمله آخرین تلاش‌های بازماندگان زندیه در چند نوبت، موجب دخالت قراگوزلوها در سرکوب مدعیان قدرت شده است. لذا حضور نظامی قراگوزلوها در مناطق مختلف ایران وابسته به برخی مؤلفه‌های جغرافیایی و امنیتی بوده که در این میان سهم تهاجمات خارجی بیش از هر عامل دیگری بوده است. افزون بر حضور قراگوزلوها در نبردها و سرکوب شورش‌ها، آنان نقش مهمی در تأمین امنیت و حفاظت از دربار و خاندان قاجار داشته‌اند و به روایت «المنتظم ناصری» در سال ۱۲۶۸ ه.ق / ۱۸۵۲ م. مسئولیت حفاظت از دارالخلافه تهران را به فرماندهی «مصطفی قلی خان قراگوزلو» برعهده داشته‌اند (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ۳ / ۱۷۴۷). بر همین اساس گفته شده است که «قراگوزلو حقی عظیم بر دولت قاجارها داشته‌اند» (اذکایی، ۱۳۶۶: ۲۲۸)؛ لذا این موضوع به روشنی جایگاه و نقش قراگوزلوها در تثبیت حاکمیت قاجارها و نیز روابط نزدیک دو گروه را اثبات می‌کند. به گونه‌ای که در تمام سال‌های حضور آنان در عرصه‌های سیاسی - نظامی کشور گزارشی از نافرمانی و شورش در میان آنها مشاهده نگردیده و متقابلاً قاجارها نیز با وصلت‌های خانوادگی هرچه بیشتر جهت تثبیت و استحکام روابط دوستانه تلاش کرده‌اند.

بنابراین، پژوهش حاضر با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از داده‌های کمی و اسناد کتابخانه‌ای در تلاش است تا به حضور و روند نبردهای قراگوزلوها در دوره قاجار بپردازد. در این مطالعه، داده‌های کمی به صورت نمودارهای آماری جمع‌آوری و نشان داده شده است تا روند حضور و نفوذ قراگوزلوها در مناطق مختلف، به‌ویژه در عرصه‌های سیاسی و نظامی، به تصویر کشیده شود.

۱. پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش درباره تاریخ قراگوزلوها محدود است و بیشتر آثار در این خصوص بر تبارشناسی، اسامی شخصیت‌ها و مسائل تاریخی کلی این طایفه متمرکز بوده‌اند. از جمله این آثار می‌توان به مجموعه مقالاتی با عنوان «قراگوزلوهای همدان» اثر پرویز اذکائی (۱۳۶۶) اشاره کرده که در آن نویسنده به تبارشناسی تیره‌های قراگوزلو پرداخته و سهم اندکی از اثر خود را به نقش نظامی یا سیاسی این طایفه اختصاص داده است. یا در نمونه دیگری با عنوان «هگمتانه تا همدان» اثر غلامحسین قراگوزلو (۱۳۷۳) تاریخ عمومی همدان و خاندان‌های آن از جمله قراگوزلوها مورد بررسی قرار گرفته و مطلبی مستقل در تحلیل نبردها یا جایگاه سیاسی قراگوزلوها در حاکمیت ندارد. همچنین کتاب «تبارنامه خاندان قراگوزلوی همدان» از حسین قراگوزلو (۱۳۷۳) و پژوهش‌های رضا الوندی با عنوان «قراگوزلوها و نقش آنان در تاریخ اجتماعی و سیاسی همدان» (۱۳۹۷ ه.ش) و «واکاوی خاستگاه و تبار تاریخی قراگوزلوها با تأکید بر دوره سلجوقیان» (۱۳۹۶ ه.ش)، بیشتر بر تبارشناسی و تاریخ سیاسی این گروه متمرکز بوده است. چنین رویکردی را نیز

می‌توان در کتاب «گذری بر تاریخ مالکان همدان» به قلم شعبانعلی معظمی (۱۴۰۰ ه.ش) مشاهده کرد. با وجود ارزش این آثار، هیچ‌یک به طور جامع و مستقل به نقش نظامی و نبردهای قراگزلوها در دوره حاکمیت قاجار نپرداخته‌اند. این مطالعه با رویکرد نوین و تمرکز بر نبردها، جایگاه و تأثیر این گروه در تثبیت قدرت قاجارها، به‌ویژه در دوره آغازین حکومت تا عهد ناصری می‌پردازد؛ و از روش‌های تحلیل داده‌ها و نمودارهای آماری برای نشان دادن روند حضور، نفوذ و فعالیت‌های سیاسی- نظامی قراگزلوها بهره‌گیری شده است. بنابراین، به کارگیری آمارهای کمی و نمودارها در جهت تأیید و تقویت داده‌های کیفی انجام شده و اساساً پژوهش حاضر در صدد ارائه یک پژوهش آماری محض نبوده است.

۲. وجه تسمیه و خاستگاه قراگزلوهای همدان

قراگزلوها از طوایف ترک زبان ساکن در همدان و نواحی آن هستند که وجه تسمیه نام آنها همچون تاریخ حضور آنان در ایران، با اختلاف همراه است. پرویز اذکایی در اشاره با نام «قراگزلو» تنها به این جمله که «تیره قراگزلو - سیاه چشمان - که مسماتر آن است که خوانین ایشان را قراقویونلو ... بنامیم»، بسنده کرده (اذکایی، ۱۳۶۶: ۲۲۸)؛ و غلامحسین قراگزلو صاحب اثر «هگمتانه تا همدان» وجه تسمیه «قراگزلو» را به معنای صاحبان «چشمان سیاه» یا «سیاه چشمان» آورده و گوید در میان ترک زبانان اسامی این چینی بسیار مرسوم است (قراگزلو، ۱۳۸۱: ۲۹۰). برخی نیز این نام را برگرفته از نام «قراگوز» دانسته‌اند (الوندی، ۱۳۹۸: ۳) که در دوره سلجوقی و پس از آن از اسامی برخی فرماندهان نظامی و حاکمان همدان بوده است (نیشابوری، ۱۳۳۲: ۸۲). با این حال، اگرچه عنوان «قراگزلو» و نه «قراگوز» آنگونه که اذکایی و بیگدلی اشاره دارند، تا اوایل دوره صفوی شناخته شده نبود (اذکایی، ۱۳۶۶: ۲۲۸؛ بیگدلی، ۱۳۷۲: ۲۰۹-۲۱۰)، اگر این احتمال را بپذیریم که قراگزلوها بخشی از یک تیره بزرگتر نظیر شاملو و بیگدلی و یا طایفه‌ای منسوب به «قراگوز» از امرای سلجوقی همدان بوده باشند، آنگاه می‌توانیم ادعاهای مذکور را بپذیریم که پیشینه تاریخی قراگزلوها به ایام پیش از صفویه باز می‌گردد و احتمالاً یکی از طوایف ۲۴ گانه آغوزها باشند (الوندی، ۱۳۹۸: ۱۷-۱۲). غلامحسین بیگدلی از قوم‌شناسان معروف ایران در این باره گوید: «بیگدلی اساس است، شاملو، قاراگزلو، بهارلو، اینانلو، و سایر از این مرکز و منبع اجاق اصلی زاینده و به وجود آمده است» (بیگدلی، ۱۳۷۲: ۲۰۱، ۶۸۵). عین السلطنه حاکم همدان (ح ۱۲۹۹ ه.ق) نیز اشاره دارد که قراگزلوها در دوره امیر تیمور از شام به همدان منتقل شده‌اند (عین السلطنه، ۱۳۷۴: ۱۰/۷۹۱۷). سرجان ملکم نماینده دربار هند و انگلیس که در عهد فتحعلی شاه قاجار در قالب سفرهای سیاسی به ایران آمده است، همین موضوع را تأیید نموده و قراگزلوها را منتسب به قبیله شاملو دانسته که امیر تیمور آنان را از شام به ایران منتقل کرده است (ملکم، ۱۳۸۰: ۱/۲۵۷). به هر حال، حضور قراگزلوها در عرصه سیاسی از دوره صفویه آغاز گشته است و پیش از آن اطلاعی در دست نیست.

۳. نخستین تکاپوی نظامی قراگزلوها پیش از برآمدن قاجارها

نخستین بار در منابع دوره صفوی (۹۰۷-۱۱۳۵ ه.ق) و در ایام سلطنت شاه تهماسب صفوی (۹۱۹-۹۸۱ ه.ق) از نام «قراگزلو» به شکل کنونی آن یاد شده است. با این حال، همچنان در ابتدای این دوره این نام به دو صورت «قراگوز» و «قراگزلو» در منابع مشاهده می‌شود و خواندمیر در «حبیب‌السیر» از فردی با نام «امیر جعفرعلی قراگوز» یاد کرده که پس از جنگ چالدران (۹۲۱ ه.ق) در نبردهای بازماندگان تیموری با حکومت صفوی حضور داشته و در پایان این نبردها کشته شده است. (۱۳۸۰: ۴/۳۹۹-۴۰۰) در کتاب «تذکره همایون و اکبر» نیز به فرد دیگری با عنوان «امیر قراگزلو» در روزگار شاه تهماسب اشاره شده است که در زمان حضور همایون در ایران (۹۵۱ ه.ق) عضو لشکریان اعزامی شاه تهماسب به هند برای بازپایی قدرت همایون بوده که احتمالاً باید غیر از «امیر

جعفرعلی قراقرزولو»ی پیش گفته، بوده باشد؛ و در صورت صحت این مدعا باید آن را نخستین اشاره به نام «قراقرزولو» در منابع دانست (بیات، ۱۳۸۲: ۵۳؛ قمی، ۱۳۸۳: ۳۰۱-۳۱۳). به نظر می‌رسد قراقرزولوها در سپاه ده هزار نفری اعزامی شاه ایران برای کمک به همایون بخشی از نیروهای شاملوی قزلباش بوده‌اند (خسروی و الوندی، ۱۳۹۷: ۲۹). به هر حال، آنچه مسلم است قراقرزولوها با همین نام و نشان از آغاز حکومت صفوی در دسته‌جات نظامی وارد شده و با آغاز حکومت شاه عباس اول (۹۹۶ هـ.ق) توانسته‌اند به مناصب مهمی چون «ایشیک آغاسی» و «بیگلربیگی» دست یابند (واله، ۱۳۸۲: ۳۹۵). در تاریخ «جهان آرای عباسی» آمده است: «چون ارقام قتل رستم خان را دورمیش بیگ قراقرزولو ایشیک آغاسی و خواجه محمد قاسم نظری اوراچه نویس خراسان و رشید بیگ کلاتر تومان نخچوان به طریق تعاقب و توالی برده بودند. به انعام و شفقت‌ها سرافراز گردیدند» (قزوینی، ۱۳۸۳: ۳۸۴).

قراقرزولوها همچنین نقش مهمی در سرکوب شورش‌های اواخر دوره صفوی ایفاء کردند و در سال ۱۱۰۸ ق در ری و رودبار به همراه طایفه رشوند، گرایلی، گروس و خلج برای دفع طایفه افشار مأموریت یافتند (رشوند، ۱۳۷۶: ۲۵-۲۶؛ نصیری، ۱۳۷۳: ۱۹۱-۱۹۸). در «صحیفه الارشاد» نیز آمده است که در سال ۱۱۲۸ قمری ابراهیم خان قراقرزولو که سابقاً بیگلربیگی استرآباد بوده به جای مرتضی قلی خان سعدلو به حکومت کرمان گماشته شده است (کرمانی، ۱۳۸۴: ۴۵۰). پس از آن در ایام حکومت افغان‌ها، قراقرزولوها در نبردهای این گروه با عثمانی در حوالی همدان و تبریز مشارکت داشته‌اند و آمده است که در زمان هجوم افغان‌ها به تبریز در سال ۱۷۲۵ م/۱۱۳۸ هـ.ق ایرانیان در مقام دفاع به رهبری «کلبعلی قاسم آقا قراقرزولو» در محل دژ موسوم به «گچی قلعه» برآمدند. پس از آن چون نادر به دنبال افغان‌ها به یزد و شیراز رفت، در یزد یکی از پاشایان عثمانی به نام تیمور با سپاهش به سوی همدان می‌گریزد و با کمک قبیله قراقرزولو در حوالی همدان در دژی متروک به نام «زهتاران» اردو می‌زند (ایروانی، ۱۳۹۳: ۷۰-۹۵). با قتل نادرشاه (۱۱۶۵ ق) قراقرزولوها که دیگر خطری جدی موجودیت آنان را تهدید نمی‌کرد، به تثبیت قدرت خود در همدان و نواحی آن پرداختند و سپس با برآمدن زندیه به آنان پیوستند؛ و چون قاجارها سربرآوردند، قراقرزولوها نیز به آغامحمدخان قاجار پیوستند و او را در براندازی خاندان زند (جعفرخان و لطفعلی خان) و استقرار حکومت قاجارها یاری کردند (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ۱۳۹۷/۳؛ فسایی، ۱۳۸۲: ۶۳۶/۱).

۴. قراقرزولوها در نبردهای سقوط زندیه و استقرار قاجارها

۴.۱. محمد حسین خان قراقرزولو و نبردهای بازماندگان زندیه
محمد حسین خان قراقرزولو از نخستین افراد طایفه قراقرزولو بود که در اواخر دوره زندیه به حمایت از آغامحمدخان قاجار (۱۱۹۳-۱۲۱۱ ق) برخاست. وی در اوایل شوال ۱۱۹۹ ق/۱۷۸۴ م. به درخواست آغامحمدخان به همراه جمعی از خوانین محلی خمسه و گروس به مقابله با جعفرخان زند و سپاهیان وی که در قم و کاشان مستقر بودند، مأمور شد. محمد حسین خان علی‌رغم شکست اولیه، در نهایت با رسیدن نیروهای خمسه و گروس بر سپاهیان زند غلبه کرد و جعفرخان زند به اصفهان گریخت (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ۱۳۹/۳؛ فسایی، ۱۳۸۲: ۶۳۶/۱؛ هدایت، ۱۳۷۳: ۲۹۹). محمد حسین خان بار دیگر در سال ۱۲۰۵ هـ.ق به همراه نصرالله خان حاجیلوی قراقرزولو، از سوی آغامحمدخان مأمور مقابله با لطفعلی خان زند و تسخیر فارس شد (اذکایی، ۱۳۶۶: ۲۳۷). سپس در سال ۱۲۰۸ ق/۱۷۹۳ م. که آغامحمدخان کرمان را محاصره کرد، محمد حسین خان قراقرزولو هم در آن پیکار شرکت داشت؛ که به روایت فسایی در «فارسانمه» در شعبان ۱۲۰۸ ق در کرمان از سپاهیان لطفعلی خان زند شکست خورد و به جانب یزد فرار کرد و بسیاری

از همراهان وی به قتل رسیدند. (فسایی، ۱۳۸۲: ۶۵۷/۱؛ کاشانی، ۱۴۱۴ق: ۴۴۱؛ ملکم، ۱۳۸۰: ۵۶۹/۲؛ موسوی، ۱۳۶۳: ۳۸۳). اما با رسیدن آغامحمد خان قاجار، لطفعلی خان شکست خورد و محمدحسین خان وی را تا سیوند تعقیب کرد (نائینی، ۱۳۵۳: ۵۱؛ موسوی، ۱۳۶۳: ۲۸۳). آغامحمد خان پس از آن به تهران آمد و اداره کرمان را به محمدحسین خان قراگزلو سپرد (نائینی، ۱۳۵۳: ۵۳۴ و ۵۳۵)؛ که وی به مدت یک سال در این سمت بود و پس از آن معزول گردیده و محمد ابراهیم خان قاجار حکومت کرمان یافت.

۴. ۲. نصرالله خان قراگزلو و سقوط خاندان زند

نصرالله خان کوریجانی از دیگر امرای قراگزلوی عهد آغامحمدخان قاجار بود که در اواخر ذیقعدۀ ۱۲۰۲ق/ ۱۷۸۷م. به همراه وی برای تسخیر و اخراج امرای زند از فارس عازم گردید اما به هنگام تاخت و تاز جعفرخان زند به قمشه شکست خورد و اسیر شد (محرم ۱۲۰۲ق). فسایی در «فارسانامه» گوید: «نصرالله خان به همراه هزار نفر از افواج خود اسیر شده و پس از آن نصرالله خان چند تن از خوانین را جعفرخان نگاه داشته و بقیه را آزاد کرد» (فسایی، ۱۳۸۲: ۶۳۹/۱). اما چون جعفرخان زند کشته شد، لطفعلی خان برای انتقام خون پدر از لار به شیراز آمد ولی از سپاهیان آغامحمد خان شکست خورد و در قلعه شیراز سنگر گرفت. چون در آن سال نبرد واقع نشد، آغامحمد خان به تهران بازگشت و امور را به محمدحسین خان و نصرالله خان قراگزلو سپرد (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۳۶). گفته شده در سال ۱۲۰۵ق، نصرالله خان پس از سقوط خاندان زند، همراه پدرش عبدالله خان بار دیگر مأمور فارس شده است. اما پس از درگذشت آغامحمد خان (۱۲۱۱ق) و بروز برخی اغتشاشات در ایالات، نصرالله خان به سرکردگی افواج قراگزلو مأمور انتظام امور همدان شد (۱۲۱۳ق).

۵. قراگزلوها و انتظام امور فارس و جنوب ایران

۵. ۱. مأموریت قراگزلوها در فارس

در دورۀ فتحعلی شاه (۱۲۱۲-۱۲۵۰ق)، قراگزلوها همچنان از ارکان اصلی سپاه قاجار در اعزام به مناطق مختلف بودند. بر اساس گزارش منابع، نخستین فرد از خاندان قراگزلو که در وقایع این عهد از وی نام برده شده «حاجی عبدالله خان بن حاجی محمدجعفر خان قراگزلو» بود که گفته شده در دورۀ کریم خان زند (۱۱۶۳-۱۱۹۳ق) فردی شناخته شده بود و در اوایل حکومت فتحعلی شاه فرماندهی قشون فارس را برعهده داشته است (اذکایی، ۱۳۶۶: ۲۳۰). نصرالله خان قراگزلو از دیگر امرای قراگزلو است که پیش از این در ایام حکومت آغامحمد خان از وی یاد شده که در نبرد با لطفعلی خان زند و انتظام امور فارس حضور داشته و پس از وفات آغامحمد خان قاجار مجدداً به فارس بازگشته است. به گزارش سرجان ملکم، نصرالله خان در سال ۱۲۱۵قمری در رأس یک دستۀ سواره نظام، هیأت انگلستان را در آن ایالت همراهی کرده بود و «در سال ۱۸۰۰ میلادی که [ملکم] در شیراز توقف داشته نصرالله خان قراگزلو ناظم نظام لشکر بوده است» (ملکم، ۱۳۸۰: ۷۷۶/۲). نصرالله خان در سال ۱۲۲۰هـ ق بعد از برکناری چراغعلی خان به وزارت فارس منسوب شد که درباره او گفته شده «امیری کافی و وزیر وافی» بود (فسایی، ۱۳۸۲: ۶۹۱/۱-۶۹۲). وی تا بیستم محرم ۱۲۲۳ق. در وزارت فارس بود سپس معزول گردید و محمد نبی خان سفیر سابق هندوستان وزیر فارس شد (فسایی، ۱۳۸۲: ۶۹۶/۱؛ افشار، ۱۳۸۰: ۲۴۶/۱). از دیگر افراد خاندان قراگزلو که در وقایع و امورات فارس حضور داشت، «سرتیپ فضل الله خان قراگزلوی شورینی» فرزند محمدحسین خان قراگزلو بود که نخستین بار نام وی در نامه عباس میرزا نایب السلطنه به طهماسب میرزا مؤیدالدوله حکمران ولایت عراق و کرمانشاه (۱۲۴۳ق) مشاهده شده است. فضل الله خان قراگزلوی شورینی در سال ۱۲۴۵ق، همراه با فرزندش

حاج محمدحسین خان خرقانی (رویانی) قراگزلو جزو سرکردگان همراه فتحعلی شاه قاجار در سفر فارس بوده‌اند (اذکایی، ۱۳۶۶: ۲۳۲). همچنین در سال ۱۲۴۸ قمری سرتیپ عبدالله خان صارم الدوله قراگزلو همراه سپاه حسین علی میرزا بن فتحعلی شاه قاجار در فارس حضور داشته است (اذکایی، ۱۳۶۶: ۲۴۳). در سال ۱۲۷۲ مصطفی قلی خان قراگزلوی میرپنجه مأمور انتظام امور لارستان و استان فارس گردیده بود (خورموجی، ۱۳۴۴: ۱۶۳/۲). سرتیپ شفیع خان یا محمد شفیع خان فامینی فرزند عبدالله خان صارم الدوله نیز در سال ۱۲۹۲ق با منصب یاور سرکرده ۳۰۰ نفر از فوج مخبران همدان به مأموریت فارس رفته بود و بار دیگر در سال ۱۳۱۲ق با منصب سرتیپی در رأس فوج امیر تومان مهدی خان در مأموریت شیراز بوده است.

۵. ۲. شورش نصرالله خان لاری

از دیگر افراد خاندان قراگزلو که در این دوره به امور فارس و نواحی آن مأموریت داشت، «امیر علی نقی خان سرتیپ قراگزلو» فرزند محمدحسین خان قراگزلو بوده است. نام وی در جریان جنگ‌های ایران و روس (۱۲۴۳هـ.ق) و سرکردگی فوج همدان در وقایع کرمان (۱۲۴۸هـ.ق) ذکر شده که پس از تصرف ارگ کرمان خلعت یافته و همراه با سپاه فرمانفرما راهی فارس شده است (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ۱۵۷۸/۳). همچنین در جریان شورش نصرالله خان لاری، والی سابق لار در لارستان و نواحی آن، (۱۲۷۴هـ.ق) علی نقی خان قراگزلو، سرتیپ فوج سرباز درگزین، و جعفرقلی خان، سرتیپ توپخانه، به نواحی لارستان و سرکوب شورش آن مأمور شدند؛ که از قرار معلوم در سرکوب شورشیان موفق نبوده و مجدداً در جمادی الثانی همین سال (۱۲۷۴هـ.ق) به تعقیب نصرالله خان پرداخته است (فسایی، ۱۳۸۲: ۸۱۸/۱). از دیگر امرای قراگزلو که در وقایع شیراز و لارستان حضور داشته «مصطفی قلی خان قراگزلو اعتمادالسلطنه میرپنچ» بود که در سال ۱۲۷۲هـ.ق نیابت حکومت جلال‌الدین میرزا فرزند مؤیدالدوله را در ایالت لارستان برعهده داشته است (همان، ۸۰۷).

۵. ۳. شورش سید یحیی دارابی در نیریز

قراگزلوها همچنین در سال ۱۲۶۶ قمری به سرکوب شورش سید یحیی دارابی (۱۱۸۹-۱۲۲۸هـ.ق) از روحانیون برجسته محلی در نیریز فارس که به تازگی به آئین بابیه گرویده بود، مأمور شدند (خورموجی، ۱۳۴۴: ۸۵/۲). سرتیپ مصطفی قلی خان قراگزلو که پس از شکست مهرعلی خان نوری مأمور سرکوبی شورش سید یحیی گردیده بود، با دو فوج سپاه و دو عراده توپ به نیریز فارس رفت قلعه آن را محاصره کرد؛ اما پس از اینکه در یک مرحله جنگ و گریز کاری از پیش نبرد، نفع خود را در مصالحه دید و درخواست دیدار با سید یحیی کرد. خورموجی در «حقایق الأخبار» شرح این واقعه را چنین آورده است: «مصطفی خان که کهنه سپاهی و با حزم و آگاهی بود، صرف در محاربه ندید و به حيله متوسل شد کار بست، خدمت سید پیام مریدانه فرستاد؛ اخلاص ورزید و طالب ملاقات سید گردید. سید معنون این دمدمه و فسون را از مساعدت بخت یافت به ملاقات سرتیپ شتافت...» (خورموجی، ۱۳۴۴: ۸۷/۲؛ فسایی، ۱۳۸۲: ۷۹۳/۱). لذا آنگونه که خورموجی روایت کرده در نهایت شورش بابیه نیریز با درایت و کاردانی مصطفی-قلی خان قراگزلو با قتل سید یحیی و پیروانش پایان یافت.

۵. ۴. قراگزلوها در وقایع خوزستان

خوزستان از دیگر مناطقی بود که نام قراگزلوها به دفعات در وقایع و حوادث آن ذکر شده است. اولین فردی که از این خاندان در

منابع تاریخی نام برده شده، علی خان جلاءالملک است که در کنار سردار اکرم (ساعداالسلطنه)، امیرنظام، و دیگر خوانین طایفه حاجیلوی قراگوزلو در محرم سال ۱۳۲۱ ق. در مأموریت‌های مرتبط با خوزستان شرکت داشته است (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۱۵۴۴). از دیگر اعضای این خاندان که در وقایع خوزستان حضور داشته‌اند، فرزندان و نوادگان حاجی فضل‌الله خان بیگ رویانی، به‌ویژه حاج محمدحسین رویانی (خرقانی)، هستند که نام آنها در سال ۱۲۴۵ ق. به عنوان ملتزم سپاه فتحعلی‌شاه در شیراز ثبت شده است (اذکایی، ۱۳۶۶: ۲۳۱-۲۳۶). همچنین، سرتیپ علی‌خان نصره‌الملک قراگوزلو، فرزند سرتیپ رستم‌خان عاشقلو و یکی از فرماندهان نام‌آشنای قراگوزلو، در لشکرکشی‌های امیرزاده سلطان مرادمیرزا بن عباس میرزای نایب‌السلطنه برای انتظام امور بختیاری در سال ۱۲۵۳ ق. در لرستان و خوزستان مشارکت داشته است. وی در لشکرکشی سال ۱۲۵۷ ق. به فرماندهی منوچهرخان معتمدالدوله در سرکوب شورش ایل بختیاری نیز نقش ایفا کرده و فرماندهی فوج همدان را بر عهده داشته است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۶۵۷/۳-۱۶۵۸). همچنین در جریان شورش بختیاری‌ها، هر دو سرتیپ علی‌خان و محمدحسین خان قراگوزلو (خرقانی) حضور داشته‌اند؛ هرچند که گفته شده تلاش‌های آنان برای برقراری صلح نتیجه بخش نبوده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۶۵۸/۳). پس از حمله بویراحمدی‌ها در سال ۱۲۷۲ ق، فوج قراگوزلو مأمور استرداد اموال بختیاری‌ها شد (فسایی، ۱۳۸۲: ۸۰۸/۱) و پس از این تاریخ، مستنداتی درباره حضور آنان در خوزستان در دست نیست. تا اینکه در آغاز قرن چهاردهم، دو تن از این خانواده، سرهنگ علی‌محمد خان موزیکانچی و شفیع‌خان رویانی/خرقانی، در مأموریت‌های مربوط به منطقه حضور یافته‌اند. سرهنگ علی‌محمد خان موزیکانچی، از صاحب‌منصبان لشکر همدانی، در مأموریت‌های لشکر اعزامی سردار اکرم، امیرنظام، در سال‌های ۱۳۱۵-۱۳۱۶ ق. به خوزستان فعالیت داشته است. همچنین، سرهنگ صادق‌خان، فرزند شفیع‌خان، که در مأموریت‌های فارس و خوزستان به سردار اکرم خدمت کرد، مدتی نایب‌الحکومه شوشتر بوده است (قراگوزلو، ۱۳۸۱: ۲۰۵-۳۴۲). از دیگر اعضای شاخص قراگوزلو، سرتیپ محمدطاهرخان مفتاح‌الملک است که در زمان مأموریت امیرنظام در سال‌های ۱۳۱۵-۱۳۱۶ ق. با سمت سرهنگی فعالیت داشته است. علاوه بر او، عبدالله‌خان بن کریم‌خان قراگوزلو نیز در مأموریت‌های مرتبط با خوزستان در همین سال‌ها حضور یافته است (اذکایی، ۱۳۶۶: ۲۳۲). این بررسی نشان می‌دهد خاندان قراگوزلو در رخدادهای نظامی و سیاسی خوزستان در دوره قاجار نقش مهمی داشته است.

۵.۵. قراگوزلوها در وقایع بوشهر

در جنوب ایران نیز قراگوزلوها حضوری مستمر داشتند و بوشهر در این نواحی از مناطقی بود که نیروهای قراگوزلو در آن با شورش‌ها و تهاجمات انگلیسی‌ها و اعراب مواجه بودند. به همین علت نیز نخستین حضور قراگوزلوها در بوشهر در جریان تهاجم قوای انگلیسی در سال ۱۲۵۵ ق. به این محل بوده است. در این زمان به تحریک مسترمنکیل، وزیر مختار دولت انگلیس، چندین کشتی جنگی مأمور تصرف بوشهر و جزیره خارک شد و در حالی که تنها پنجاه سرباز قراگوزلو در قلعه آن حضور داشتند، توانستند این شهر را تصرف کنند (خورموجی، ۱۳۴۴: ۲۷۷/۲). پس از آن در سال ۱۲۶۶ ق. سرتیپ مصطفی قلی‌خان قراگوزلو بعد از سرکوب شورش سید یحیی دارابی (۱۲۶۶ ق) در نیریز با دستور امیرزاده نصرت‌الدوله روانه بوشهر شد (خورموجی، ۱۳۴۴: ۲). مصطفی-قلی‌خان به محض ورود به بوشهر شیخ نصرخان بوشهری را به سبب عصیان برکنار کرده و میرزا حسنعلی‌خان پسر حاجی میرزا علی اکبر قوام‌الملک شیرازی را به حکومت بوشهر برگزید. «اما شیخ حسین خان عم و نایب‌الحکومه شیخ نصرخان سر به عصیان برآورده و در نهایت با سیاست مصطفی قلی‌خان صلح واقع شده و حسین خان روانه خارک شد. پس از این کاردانی مصطفی قلی‌خان بوده

که منصب میر پنجگی و نشان و حمایل یافت» (خورموجی، ۱۳۴۴: ۸۸۷/۲؛ فسایی، ۱۳۸۲: ۷۹۵/۱؛ محبوبی، ۱۳۷۴: ۶۴/۱). در سال ۱۲۷۲ق که وزیر مختار دولت فرانسه برای اقامت در تهران وارد بوشهر شد، علی‌خان پسر نصرت‌الملک سرتیپ پسر رستم‌خان قراگوزلو برای پذیرایی او مأمور شده بود (فسایی، ۱۳۸۲: ۸۰۴/۱ و ۸۰۵). سرتیپ علی‌خان قراگوزلو همچنین در حملات سال‌های ۱۲۷۳-۱۲۷۲ق. انگلیسی‌ها به بوشهر، که به بهانه محاصره هرات از سوی نیروهای ایرانی صورت گرفت، فرماندهی فوج توپخانه لشکر همدان را برعهده داشت و دلیرانه مقاومت کرد؛ و حتی گفته شده که در این درگیری مجروح گردید اما در نهایت فوج همدانی در این نبردها ۹۲ کشته و زخمی برجای نهاد. همچنین نیروهای قراگوزلو به فرماندهی علی‌خان قراگوزلو در وقایع تنگستانی‌ها با انگلیس حضور داشتند؛ و در همین زمان (۱۲۷۳ق) مصطفی‌قلی‌خان اعتمادالسلطنه قراگوزلو در بندر کنگ با دو فوج سرباز و چهار ارابه توپ توقف داشته و در بیستم ربیع‌الاول همین سال با قشقایی‌ها به مقابله با انگلیسی‌ها پرداخته است (خورموجی، ۱۳۴۴: ۲۰۴/۲؛ فسایی، ۱۳۸۲: ۸۱۳/۱). همچنین در چهارم رجب ۱۲۷۳ گزارش شده که فوج چهارم قراگوزلو به همراه فوج شاهسون و قشقایی در تعقیب انگلیسی‌ها در بوشهر مشارکت داشته اما اشاره‌ای به نام فرمانده قراگوزلوها در این تعقیب و گریز نشده است (فسایی، ۱۳۸۲: ۸۱۷/۱). در ماجرای حملات انگلیسی‌ها به بوشهر که در راستای تهدید ایران برای ترک محاصره هرات صورت گرفت (چهار ربیع‌الثانی ۱۲۷۳)، به محمودخان قراگوزلو (ناصر الملک) اشاره شده (سرابی، ۱۳۶۱: ۳) که جزو افرادی بود که با صلح با انگلیسی‌ها موافقت کرده است.

۵.۶. قراگوزلوها و مأموریت‌های بندرعباس

بندرعباس از دیگر مناطقی بود که قراگوزلوها در نوبت‌های مختلف برای مقابله با اعراب خلیج فارس در آن مأموریت یافتند. نخستین بار در سال ۱۲۷۰ق. صارم‌الدوله قراگوزلو که در خدمت طهماسب میرزای مؤیدالدوله حاکم فارس بود، از سوی وی مأمور تصرف بندرعباس شد (خورموجی، ۱۳۴۴: ۱۳۵؛ محبوبی، ۱۳۷۴: ۶۲۱/۲). وی همچنین در سال بعد (۱۲۷۱ق) با دو فوج سوار و توپخانه از فارس به مقابله با شورش اعراب خلیج فارس، که با کمک انگلستان بندرعباس را اشغال کرده بودند، مأموریت یافت (خورموجی، ۱۳۴۴: ۱۳۵). یکی از آن دو فوج (مخبران) جمعی رستم‌خان سرهنگ بود که در آن جنگ رشادت‌های بسیار کرد و با تصرف سنگرهای اعراب، دو عراده توپ و یک خمپاره آنان را به غنیمت گرفت (فسایی، ۱۳۸۲: ۸۰۲/۱). پس از این وقایع بود که رستم‌خان منصب سرتیپی یافت و یکی از دختران فتحعلی شاه قاجار به نام زبیده خانم را برای پسرش علی‌خان نصره‌الملک خواستگاری و تزویج کرد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۶۵۷/۳-۱۶۵۸). بر این اساس، قراگوزلوها در بندرعباس نیروی نظامی ثابتی نداشتند و تنها برای مقابله با شورش‌های محلی و تهاجمات خارجی بود که از فارس و کرمان به این محل مأموریت می‌یافتند.

۶. قراگوزلوها و انتظام امور شرق ایران

۱.۶. قراگوزلوها در مأموریت‌های خراسان

خراسان از ایالت‌های کلیدی ایران بود که با توجه به گستردگی و ناآرامی‌های موجود در آن از همان آغاز حکومت آغامحمدخان قاجار مورد توجه قرار گرفت و نیروهای قراگوزلو برای انتظام اوضاع آن بارها به این ناحیه اعزام شدند. محمدحسین‌خان قراگوزلو از نخستین افراد طایفه قراگوزلو بود که در سال ۱۲۱۰هـ.ق جهت انتظام امور این محل اعزام شد (هدایت، ۱۳۷۳: ۳۲۲). پس از آن بارها

قراگوزلوها در مأموریت افغانستان، هرات، بخارا و سایر شهرها از خراسان گذشتند و در سال ۱۲۶۴ق، چون ناصرالدین شاه برای احراز سلطنت رهسپار تهران شد، سرتیپ علی خان قراگوزلو با دو فوج خود در زنجان به پیشواز شاه رفت و در آنجا مأموریت خراسان (۱۲۶۵-۱۲۶۴ق) یافت (اذکایی، ۱۳۶۶: ۲۴۰). علت این مأموریت در فتنه‌ای بوده که محمدحسین خان سالار در خراسان برپا کرده بود که به روایت تاریخ منتظم ناصری «نواب حسام السلطنه مأمور دفع این شورش گردیده که علی خان قراگوزلو و فوج همدانی برای کمک به خراسان اعزام گردیدند» (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۶: ۳/ ۱۶۹۹). بار دیگری که سرتیپ علی خان قراگوزلو مأموریت خراسان یافت پس از حملات انگلیسی‌ها به بوشهر بود که به گفته اعتماد السلطنه «سرتیپ علی خان قراگوزلو پس از نبرد با انگلیسی‌ها در بوشهر از ساحل خلیج فارس یکرست همراه با فوج قراگوزلو جزو سپاه اعزامی به خراسان رهسپار آن ایالت شد» (۱۲۷۴ق/ ۱۸۵۷م)؛ و هم در این سال سرتیپ علی خان نشان میرپنجی و خلعت کشمیری یافت» و در سال ۱۲۷۸ق/ ۱۸۶۱م. به لقب نصرت الملکی ملقب گردید (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۶: ۳/ ۱۸۰۲ و ۱۸۴۴). امیر تومان مصطفی قلی خان قراگوزلو از دیگر افراد این طایفه بود که در سال‌های ۱۲۶۲-۱۲۶۳ق، همراه با دو فوج همدان و افشاریه در لشکرکشی حشمت الدوله بن عباس میرزا به خراسان برای دفع شورش سرتیپ ابراهیم خلیل خان سلماسی شرکت داشت که پس از تسخیر قلعه کلات و سرخس و شهر مشهد، حکومت نظامی و حراست «ارگ» آنجا به وی محول شد (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۶: ۳/ ۱۷۱۲). همچنین گفته شده مصطفی قلی خان قراگوزلو در سال ۱۲۹۳ «رئیس نظامی خراسان بود و جنگ‌هایی چند با ترکمانان متجاوز به حدود خراسان نمود» (محبوبی، ۱۳۷۴: ۲/ ۶۴۲).

۶. ۲. قراگوزلوها و مأموریت‌های افغانستان (کابل، هرات و بلخ)

افغانستان به عنوان بخشی از خراسان بزرگ از دیگر ایالاتی بود که فوج‌های قراگوزلو در دوره قاجاریه بارها جهت انتظام امور آن مأموریت یافتند. محمدحسین خان قراگوزلو نخستین فرد از خاندان قراگوزلوها بود که در جریان یک مأموریت سیاسی در سال ۱۲۱۰ق، از سوی آغامحمدخان قاجار جهت مذاکره با شاه‌زمان افغانی در کابل و شاه‌محمود (پسر تیمور شاه) در هرات اعزام گردید (هدایت، ۱۳۷۳: ۳۲۲). محمدحسین خان قراگوزلو در این مأموریت موفق شد تا بلخ را که شاه‌زمان افغانی مدعی آن بود، باز پس گیرد و در بازگشت نماینده شاه‌زمان «کدو خان» به همراه محمدحسین خان به ایران آمده و مراتب الحاق مناطق مذکور به حکومت قاجار را اعلام کرد. این واقعه در تاریخ منتظم ناصری چنین آمده است: «محمد حسین خان قراگوزلو را نزد شاه زمان پسر تیمور شاه افغان امیر کابل فرستادند که بلخ را که یکی از بلاد خراسانست و در تصرف گماشتگان او می‌باشد واگذار و تفویض به ملازمان حضرت شهریار عظیم الاقتدار نماید» (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ۳/ ۱۴۳۳). اما سرجان ملکم گوید محمدحسین خان از سوی آغامحمدخان مأموریت داشت تا به همراه زمان خان بخارا را تسخیر کند (ملکم، ۱۳۸۰: ۲/ ۶۴۰). همچنین رستم خان نیز از دیگر امرای این طایفه بود که در سال ۱۲۳۲ق با فوج پیاده و سواره خود حسنعلی میرزای شجاع السلطنه را که مأمور سرکوب شورش والی هرات (حاجی فیروزالدین) بود، همراهی کرده است. در تاریخ ذوالقرنین گفته شده: «حاجی فیروزالدین والی هرات که شرایط را محیا دیده مصلاهی هرات و تل‌بنگیان را به محل شورش خود تبدیل کرده و محافظانی بر آن نهاده بود» (خاوری، ۱۳۸۰: ۱/ ۴۴۸)؛ اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ۳/ ۱۵۳۶) اما چون قلاع سقوط کردند و والی هرات اوضاع را مناسب ندید، تسلیم شد و سپاهیان قراگوزلو، بدون تصرف هرات، جهت سرکوب جماعت هزاره عازم بادغیس شدند (خاوری، ۱۳۸۰: ۱/ ۴۴۹-۴۴۸؛ اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ۳/ ۱۵۳۶)؛ هدایت، ۱۳۷۳: ۳۷۵). پس از این وقایع در سال ۱۲۵۳ق عبدالله خان قراگوزلو از دیگر نوادگان محمدحسین خان عاشقلو همراه الله‌یارخان آصف‌الدوله مأمور دفع افغانه خراسان شد. در این مأموریت عبدالله خان قراگوزلو با منصب یاور به همراه افواج

قراگوزلو در طلاعی سپاه قاجار دلیرانه ایستادگی کردند و نبی‌خان فرزند رستم‌خان که تا آخرین لحظه با دوستان تن از سربازان قراگوزلو ایستادگی کرده بود، در جریان نبرد کشته شد. پس از آن دو فوج نبی‌خان را به فرزندانش محمودخان (ناصرالملک) و مهدی قلی‌خان قراگوزلو سپردند. سرانجام فوج همدان، نخستین گردانی بود که به هرات وارد شد و آن را تسخیر کرد.

۳.۶. قراگوزلوها در وقایع کرمان

کرمان از نخستین ایالت‌هایی بود که فوج‌های نظامی قراگوزلو از همان ابتدای دوره قاجاریه در آن حضور یافتند. قراگوزلوها در نخستین مأموریت خود به کرمان در سال ۱۲۰۸ق/۱۷۹۳م. به فرماندهی محمدحسین‌خان قراگوزلو در محاصره این شهر مشارکت نمودند و پس از فوت آغامحمدخان و در دوره سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار نیز حاجی عبدالله‌خان بن حاجی محمدجعفرخان قراگوزلو که پیش از این فرماندهی قشون فارس (۱۲۲۰-۱۲۲۲ق) را داشت، عهده‌دار وزارت و سرداری کرمان گردید (اذکایی ۱۳۶۶: ۲۳۰-۲۳۱). اما شناخته‌شده‌ترین فرمانده قراگوزلوها در کرمان سرتیپ عبدالله‌خان صارم‌الدوله قراگوزلو بوده که نام وی نخستین بار در وقایع کرمان (۱۲۴۸ق) به عنوان یکی از صاحب‌منصبان فوج همدانی به فرماندهی علی‌نقی‌خان سرتیپ قراگوزلو یاد شده است (همان: ۲۴۳). این حضور زمانی بوده که حسنعلی‌میرزای فرمانفرمای فارس به قصد تصرف ایالت کرمان حرکت کرده (۱۲۴۸ق) که روایت‌هایی از همراهی صارم‌الدوله قراگوزلو با فرمانفرمای فارس مخابره شده بود (فسایی، ۱۳۸۲: ۷۵۰/۱؛ جهانگیر میرزا، ۱۳۸۴: ۱۶۹). اما روایت‌های دیگر حکایت از پایداری سرتیپ علی‌نقی‌خان قراگوزلو دیگر فرمانده قراگوزلوها در مقابل سپاهیان فارس دارد و حتی گفته شده چون سیف‌الملک میرزا پسر ظل‌السلطان میرزا حاکم کرمان قصد استقبال از فرمانفرما را داشت، علی‌نقی‌خان قراگوزلو مانع از این امر شد که در نهایت نیز کارساز نشد (جهانگیر میرزا، ۱۳۸۴: ۱۶۹). فرمانفرما با لشکریان فارس به کرمان رسید و فوج قراگوزلو و علی‌نقی‌خان را به همراه خواهر نایب‌السلطنه که سیف‌الدوله در ارگ رها کرده بود، محاصر کردند (جهانگیر میرزا، ۱۳۸۴: ۱۷۰). گفته شده در درگیری‌های علی‌نقی‌خان با اهالی کرمان، با اینکه ارغون میرزا بن شجاع‌السلطنه شاهزاده به ضرب گلوله سربازان قراگوزلو از پای درآمده بود، اما با این حال به وی تعرضی نشد و از ارگ خارج شد و به سوی یزد روانه شدند (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۸۵۰/۳).

قراگوزلوها همچنین در سال ۱۲۵۵ق. در سرکوب شورش آقاخان محلاتی (۱۲۵۵ق) مشارکت کردند که صارم‌الدوله قراگوزلو با منصب سرتیپی و فرماندهی دو فوج ملایری و تویسرکانی قراگوزلو مأمور دفع آن گردیدند؛ و پس از ۱۴ ماه پیکار سرانجام آقاخان از کرمان به بلوچستان گریخت و عبدالله‌خان مأمور به توقف در آن دیار شد (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ۱۰۷۵/۳؛ خورموجی، ۱۳۴۴: ۳۰/۲). همچنین در این ایام صارم‌الدوله به همراه فوج قراگوزلو و ملایری و تویسرکانی با دستور مؤیدالدوله طهماسب‌میرزا، حکمران کرمان، برای سرکوب محمدعلی‌خان بلوچ عازم قلعه بمپور بلوچستان شد که این ناامنی نیز با تسلیم و عذرخواهی شورشیان پایان یافت. صارم‌الدوله پس از این واقعه تا ولایت سیستان نیز پیش رفت و پس از انتظام امور آن به کرمان بازگشت (خورموجی، ۱۳۴۴: ۹۰/۲؛ جهانگیر میرزا، ۱۳۸۴: ۳۱۱-۳۱۲، ۳۳۰). خدمات ارزنده سرتیپ عبدالله‌خان صارم‌الدوله در وقایع جنوب ایران باعث شد تا محمدشاه قاجار خواهر بطنی خود نگار خانم (نگارالسلطنه) دختر عباس میرزای نایب‌السلطنه را با عبدالله‌خان صارم‌الدوله تزویج کند (اذکایی، ۱۳۶۶: ۲۴۳). سرتیپ عبدالله‌خان صارم‌الدوله قراگوزلو در ذیقعدۀ سال ۱۲۷۸ق درگذشت.

۷. مأموریت قراگوزلوها در شمال و غرب ایران

۱.۷. قراگوزلوها در واقعه جنگ‌های ایران و روس

از نخستین و مشهورترین چهره‌های قراگوزلو حاضر در دوره اول جنگ‌های ایران و روس، حاجی محمدخان جیهون آبادی قراگوزلو (۱۲۴۵-۱۱۷۶ق) بوده که جزو «ملازمان عظام و بل ریش سفید عباس میرزا نایب السلطنه قاجار، یکی از سرکردگان قشون در جنگ‌های ایران و روس» و از جمله سرداران تسخیر و تاراج تفلیس و گنجه (۱۲۲۰ق) و نیز سرکرده افواج مأمور انتظام عشایر همان نواحی در سال ۱۲۲۴ق بوده است (هدایت، ۱۳۷۳: ۳۴۷؛ جهانگیر میرزا، ۱۳۸۴: ۶۴). همچنین در سال ۱۲۴۲ق. فوج‌های قراگوزلو در استرداد قلعه اردوباد نقش آفرینی کردند که در پی آن قراباغ نیز ویران و غارت شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۵۷۶/۳؛ خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۶۵۲/۳؛ هدایت، ۱۳۷۳: ۴۰۶). علی‌نقی‌خان قراگوزلو سرهنگ فوج همدانی که از سرداران حاضر در واقعه اردوباد بود، پس از این وقایع بلافاصله به دستور شاه به همراه آصف‌الدوله به حراست از قلعه تبریز اعزام شد؛ و در برابر حملات روس‌ها به فرماندهی ژنرال ارستوف (۱۲۴۳هـ.ق/۱۸۲۷م.) در حوالی نخجوان ایستادگی کرد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۵۷۸/۳؛ خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۶۵۵/۳). همچنین در این وقایع به حضور رستم‌خان قراگوزلو در جبهه گرجستان، شیروان و لنکران اشاره شده است.

۲.۷. قراگوزلوها در نواحی غربی (همدان، کردستان، کرمانشاه)

قراگوزلوها در مقایسه با شهرهای جنوبی ایران حضوری اندک در ایالات غربی داشتند که آن نیز در بیشتر مواقع به اقدامات تحریک‌آمیز دولت عثمانی در نواحی کردنشین و شهرهای غربی مربوط می‌شد. در یکی از قدیمی‌ترین گزارش‌ها از ناآرامی‌ها در مرزهای غربی، از تصرف شهر زور توسط علی‌پاشا وزیر بغداد سخن آمده است که از شرایط رفتاری نیروهای ایران در نبرد با روس‌ها و ازبک‌ها استفاده کرد و شهر زور را تصرف کرد. دربار قاجار به محض اطلاع از این موضوع فوج‌های قراگوزلو را به همراه سایر امرا روانه آن دیار کرد که گفته شده «از زهاب تا بعقوبه را طولاً و از بعقوبه تا مندلیج را عرضاً به جاروب نهب و غارت رفتند» (خاوری، ۱۳۸۰: ۲۵۲-۲۵۳). بنا به گزارش منابع در بازپس‌گیری شهر زور (۱۲۲۲ق) از تصرف عساکرپاشای عثمانی بغداد، قراگوزلوها به فرماندهی حاجی عبدالله‌خان قراگوزلو همراه با افواج اردلانی کردستان مشارکت داشته‌اند (اذکایی، ۱۳۶۶: ۲۳۰-۲۳۱). از دیگر رویارویی‌های قراگوزلوها با ترکان عثمانی مربوط به سال ۱۲۸۶ق است که در این سال «اعتمادالسلطنه ابن محمدباقر قراگوزلو همدانی به عنوان یکی از سرداران فرهاد میرزا معتمدالدوله مأموریت سرکوبی کردان اورامانی را داشته است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۱۹۱/۲ و ۲۰۲۵). پس از آن در سال ۱۲۹۳ق چون عشایر کرمانشاه به مخالفت برخاستند، سرتیپ فضل‌الله‌خان همدانی همراه با کلبعلی‌خان افشار مأمور سرکوبی شورش شدند (اذکایی، ۱۳۶۶: ۲۴۵). بار دیگر در سال ۱۲۹۷ق شیخ ظاهر نقشبندی، از سران صوفی‌کردان، با تحریکات خارجی و برخی دیگر از کردان شورش کردند. مصطفی‌قلی‌خان قراگوزلو در این لشکرکشی با منصب امیرتومانی و ریاست قشون آذربایجان، شکست فاحشی به شورشیان مراغه و بناب که جمعیت آنان در حدود دو هزار نفر بود وارد کرد و شهر ارومیه را پس گرفت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۱۹۱/۲ و ۲۰۲۵). مصطفی‌قلی‌خان اندکی بعد در ارومیه و به مرض حصبه درگذشت.

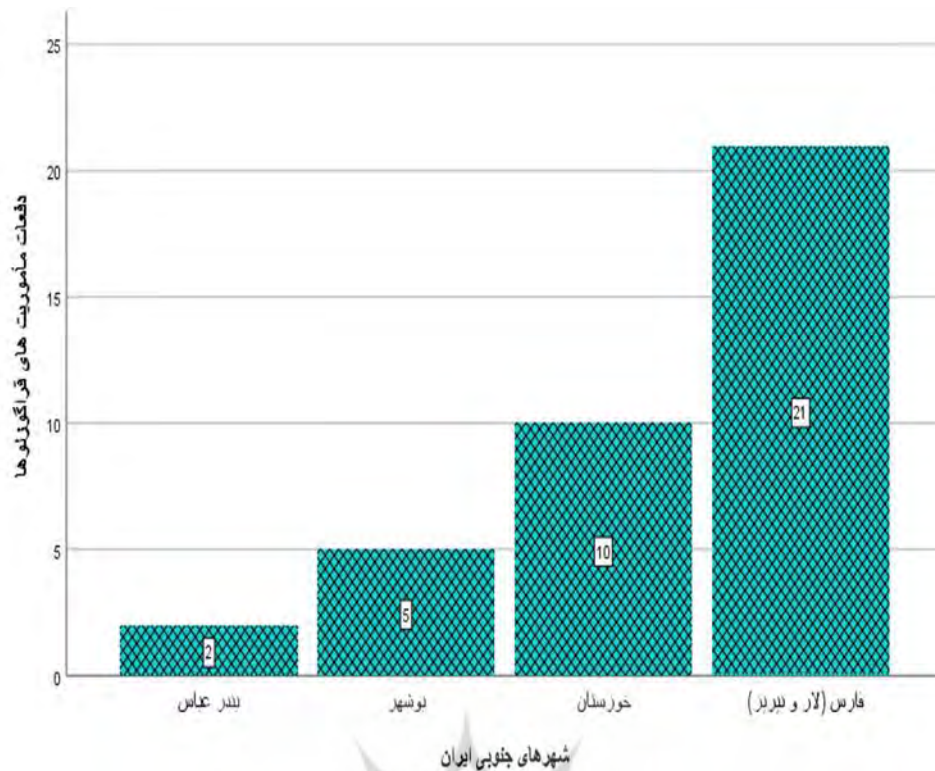
۸. یافته‌ها و نتایج کمی پژوهش

فرضیه مطرح‌شده درباره حضور مستمر قراگوزلوها به عنوان متحدان کلیدی حاکمان قاجاری در نواحی مختلف ایران با رویکردی امنیتی-جغرافیایی تحلیل می‌شود. به واقع، حضور این طایفه در مناطق مختلف ایران به واسطه مؤلفه‌های طبیعی-جغرافیایی، عوامل امنیتی و سیاست‌های دفاعی قاجاریه بوده است. از یک سو، شدت ناآرامی‌ها، شورش‌ها، حملات و تجاوزات قوای بیگانه و از سوی

دیگر، وفاداری و رشادت‌های قراگوزلوها، عواملی هستند که به تبیین حضور دائمی آنان در نبردهای تثبیت قدرت قاجاریه کمک می‌کنند. این تحلیل بر این فرض استوار است که حضور قراگوزلوها در طول زمان و در سطوح جغرافیایی متفاوت، بازتابی از مأموریت‌های مشخص امنیتی - مرزی و سازوکارهای دفاعی قاجاریه است. بنابراین، می‌توان حضور آنان را به عنوان یک سازه محلی با کارکردهای استراتژیک در سه محور اصلی فهمید: امنیت مرزی، کنترل داخلی و مشارکت در عملیات‌های تثبیت حاکمیت. برای شناخت دقیق این مؤلفه‌ها باید به نتایج حاصل از بخش‌های جغرافیایی مختلف حضور قراگوزلوها توجه داشت که از این قرار است:

۸.۱. قراگوزلوها در فارس و جنوب ایران

تحلیل منشأ و توزیع جغرافیایی مأموریت‌های نیروهای قراگوزلو در فارس و جنوب ایران در دوره قاجاریه نشان می‌دهد که تمرکز فعالیت‌ها به طور قابل توجهی در نواحی مختلف تفاوت داشته است (بنگرید: شکل ۱). در بندرعباس، کمترین سهم مأموریت‌ها مشاهده می‌شود: تنها ۴/۱ درصد از کل مأموریت‌ها، که گویای حضور نسبتاً محدود این نیروها در این منطقه است. با وجود این محدودیت، نبردهای مهم ذاتاً استراتژیک، مانند مقابله با نیروهای انگلیسی و اعراب، اهمیت تاریخی بندرعباس را در چارچوب سیاست‌های امنیتی قاجار برجسته می‌کند؛ و نشان می‌دهد که حتی مناطقی با میزان مأموریت پایین می‌توانستند نقشی کیفی در حفظ و تضمین خطوط ارتباطی و منافع استراتژیک داشته باشند. در مقابل، منطقه فارس نشان‌دهنده مرکزیت استراتژیک مأموریت‌های قراگوزلو بوده است. به‌ویژه شهرهای لار و نیریز نقش محوری را در فعالیت‌های نظامی ایفا کرده‌اند؛ به طوری که بیش از ۲۷ درصد از کل مأموریت‌ها (حدود ۲۱ مأموریت) در این بخش متمرکز شده است. این تمرکز، گواهی است بر تمرکز عملیاتی نیروهای قراگوزلو در مناطقی که تهدیدهای داخلی و خارجی همزمان وجود داشت و از منظر ژئواستراتژیک جایگاه حساسی برای کنترل محورهای ارتباطی و کارکردهای دفاعی قاجار داشتند. این توزیع نشان می‌دهد که فارس، به‌ویژه با توجه به موقعیت جغرافیایی و اهمیتی راهبردی شهرهای کلیدی، به عنوان میدان عملیاتی حیاتی برای ایجاد بازدارندگی و پاسخ سریع به تهدیدات مطرح بود. مناطق خوزستان و بوشهر نیز به ترتیب با ۱۰ و ۵ مأموریت، در رتبه‌های بعدی جای می‌گیرند. این ترتیب توزیع مأموریت‌ها گواهی از تمرکز اولیه نیروهای قراگوزلو در نواحی غرب و جنوب غربی ایران دارد که از منظر استراتژیک به دسترسی به مرزهای خارجی و کنترل مسیرهای دریایی اهمیت بسزایی می‌بخشید. در نتیجه، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که پیکار بندی مأموریت‌ها بازتابی از انسجام راهبردی حاکمیت قاجار است که نیروهای قراگوزلو را به عنوان واحدهای عملیاتی با کارکردهای متنوع، از پاسداری و کنترل مرزها تا عملیات‌های تاکتیکی در مقابل تهدیدات، به کار می‌گرفت. در کل، توزیع جغرافیایی مأموریت‌ها در فارس و جنوب ایران، با وجود تفاوت‌های منطقه‌ای، نشان‌دهنده یک طرح منسجم و هدفمند است که بر پایه اهمیت امنیتی و اقتصادی هر منطقه، مأموریت‌ها را تخصیص داده است.



شکل ۱: مأموریت قراگولوها در فارس و شهرهای جنوبی ایران (منبع: مؤلف)

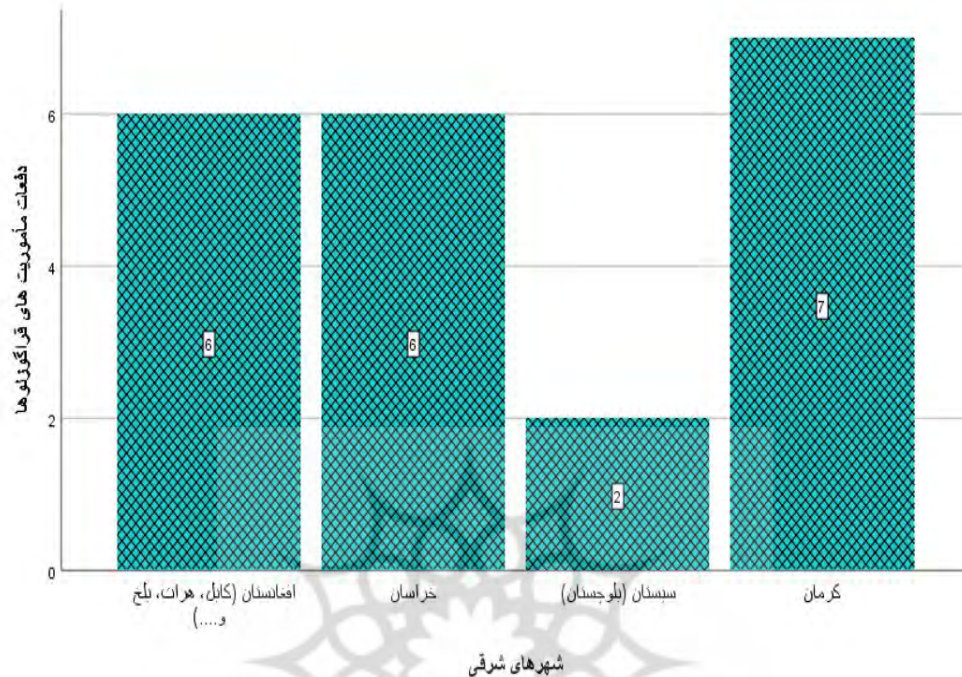
۲.۸. قراگولوها در شرق ایران

بررسی منطقه‌ای مأموریت‌های قراگولوها نشان می‌دهد که کرمان به عنوان مرکز اصلی فعالیت‌های نظامی آنان در شرق ایران مطرح بود (بنگرید: شکل ۲). اختصاص نزدیک به ۹/۵ درصد از کل مأموریت‌ها به این ناحیه نشان‌دهنده اهمیت راهبردی کرمان در حفظ امنیت مسیرهای تجاری-مرزی و پل ارتباطی با سایر نواحی شرقی است. پس از کرمان، خراسان و افغانستان هر کدام با ۶ مأموریت، جایگاه مهمی در سیاست دفاعی قاجاریه داشته‌اند؛ این امر گویای تأکید بر تمرکز بر کنترل مرزهای شرقی و مقابله با قبایل بومی و مهاجمان داخلی و خارجی است. مناطق جنوبی و سیستان با تنها ۲ مأموریت نمایان، کم‌ترین حضور نظامی را نشان می‌دهد؛ و این الگو نشان می‌دهد که اولویت امنیتی حاکمیت قاجاری در شرق و نواحی مرزی بیشتر بوده و تمرکز کمتری بر جنوب و سیستان وجود داشت. به طور کلی، این توزیع مأموریت‌ها گویای سیاست قاجار در تمرکز بر مناطق راهبردی شرقی و مرزی برای تأمین امنیت و تثبیت کنترل است. لذا بر اساس داده‌های آماری می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

- بیشترین سطح حضور در کرمان و خراسان همزمان با شتاب گرفتن فرایند تثبیت حاکمیت قاجاری در شرق کشور است. این دو ناحیه به عنوان کریدورهای مواصلاتی-تجاری و مرزی، از نظر امنیتی برای قاجاریان حیاتی بودند و حضور قراگولوها در این دو منطقه نشان می‌دهد که هدف اصلی، کنترل و حفاظت از مرزهای شرقی و حفظ کارکرد پُرزهای اقتصادی دولت بود.
- سیستان با کمترین مأموریت، نشان می‌دهد که اولویت امنیتی روی این ناحیه کمتر بوده یا می‌توانسته توسط دیگر طایفه‌ها یا ساختارهای محلی پوشش داده شود. اما وجود هر دو مأموریت در این ناحیه نیز گواه حضور مستمر و نیاز به پشتیبانی از خطوط مرزی جنوب شرقی است.
- به طور روشن، قاجاریان با اتکا به قراگولوها، تلاش داشتند شبکه‌ای از پشتیبانی و کنترل محلی را در شرق و مناطق مرزی

ایجاد کنند تا از تثبیت حاکمیت خود در سطح ملی اطمینان یابند.

بنابراین، یافته‌های این بخش تأیید می‌کنند که قراگوزلوها به عنوان عناصر کلیدی در سیاست نظامی و دفاعی قاجاریه در نواحی مرزی و شرق ایران ایفای نقش می‌کردند. نیز توزیع مأموریت‌ها نشان می‌دهد که تمرکز بر مناطق راهبردی شرق و مرزی برای تأمین امنیت و تثبیت کنترل، در اولویت بوده است.

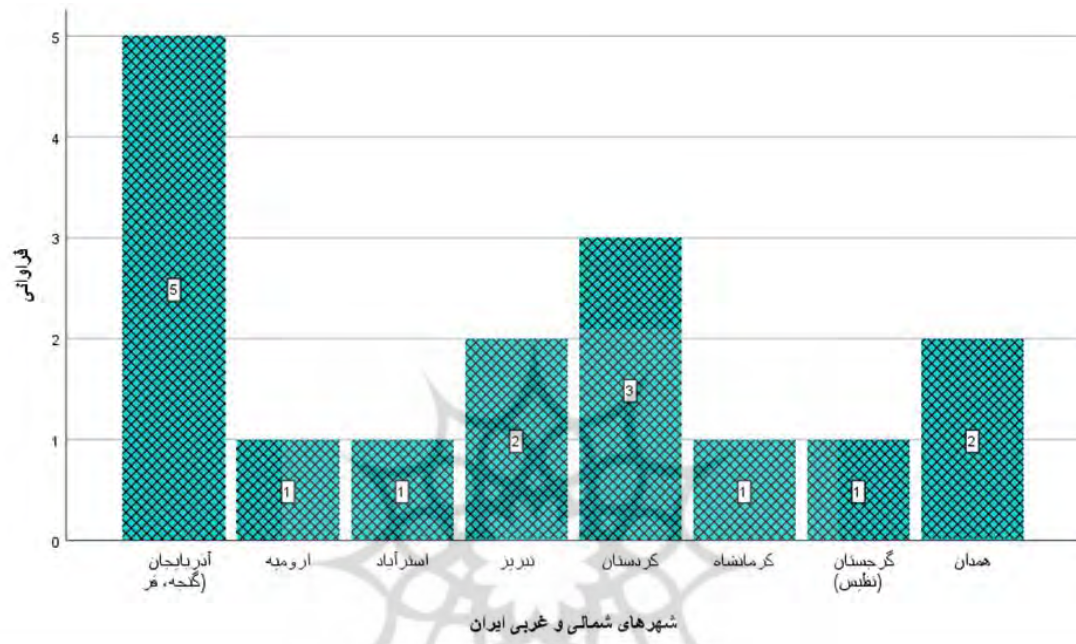


شکل ۲: مأموریت‌های قراگوزلوها در شرق ایران (منبع: مؤلف)

۳.۸. قراگوزلوها در شمال و غرب ایران

در این بخش، براساس داده‌های نموداری، آذربایجان به عنوان یک منطقه استراتژیک، نقشی محوری در مأموریت‌های قراگوزلوها ایفا می‌کند (بنگرید: شکل ۳). با این که مناطق غربی و شمالی به طور مجموع کم‌ترین تعداد مأموریت‌ها را نشان می‌دهند، حضور قراگوزلوها در آذربایجان با ۵ مأموریت (معادل ۵/۴ درصد کل مأموریت‌ها) نشان از تمرکز قابل توجه در این ناحیه دارد. این تمرکز بیانگر سه فرضیه عمده است: نخست، اهمیت ژئواستراتژیک آذربایجان به عنوان جبهه مرزی با عثمانی و روسیه؛ دوم، وجود بافت‌های قبیله‌ای و شبکه‌های امنیتی محلی که به آسانی قابل استفاده برای کنترل و حفاظت از خطوط مرزی می‌باشد؛ سوم، نقش آفرینی این طایفه در پرتو حمایت‌های سیاسی - نظامی حکومت قاجار جهت موازنه نیروهای همسو یا مخالف در منطقه. همچنین در این بخش، شهرهای تبریز و همدان هر کدام با ۲ مأموریت، سهم نسبتاً قابل توجهی را در الگوی توزیع مأموریت‌ها دارند. این دو شهر به عنوان مراکز شهری با کارکردهای سیاسی - اداری و نیز ایستگاه‌های ارتباطی در مسیر جاده‌های تجاری - مرزی عمل می‌کردند. حضور دو مأموریت در تبریز به‌ویژه می‌تواند نشان‌دهنده نقش تبریز به عنوان پایگاه دفاعی - تدارکاتی در برابر تهدیدات مرزی و نفوذ نیروهای مهاجم باشد. همدان نیز به عنوان یک پایگاه ثانوی در غرب ایران، مأموریت‌های محدودی را در حوزه امنیت داخلی و کنترل مرزی شاهد بوده است؛ و این امر ممکن است به دلیل ارتباط آن با دیگر محورهای استراتژیک یا وجود ساختارهای محلی قوی در آن ناحیه

تفسیر شود. همچنین کردستان با ۲ مأموریت نیز جایگاه مهمی در سیاست مرزی و امنیت داخلی ارائه می‌دهد. این ناحیه به خاطر قرارگیری در مسیر تماس با عشایر و کانی‌های محدوده عثمانی - روسیه و همچنین حضور گروه‌های مرزی، از لحاظ استراتژیکی برای قاجاریه اهمیت داشت. در این چارچوب، تمرکز مأموریت‌ها در کردستان می‌تواند نشان‌دهنده برنامه‌ریزی دقیق برای کنترل محورهای تردد و جلوگیری از نفوذ دشمنان خارجی و همچنین مدیریت شورش‌ها یا ناآرامی‌های محلی باشد. به طور کلی، آمارها نشان می‌دهند که قاجاریان با تمرکز بر نواحی غربی - شمالی و به خصوص آذربایجان و کردستان، به دنبال ایجاد خطوط امن مرزی بودند تا از نفوذ عثمانی و قدرت‌های همسایه جلوگیری کنند و حاکمیت مرکزی را تقویت نمایند.

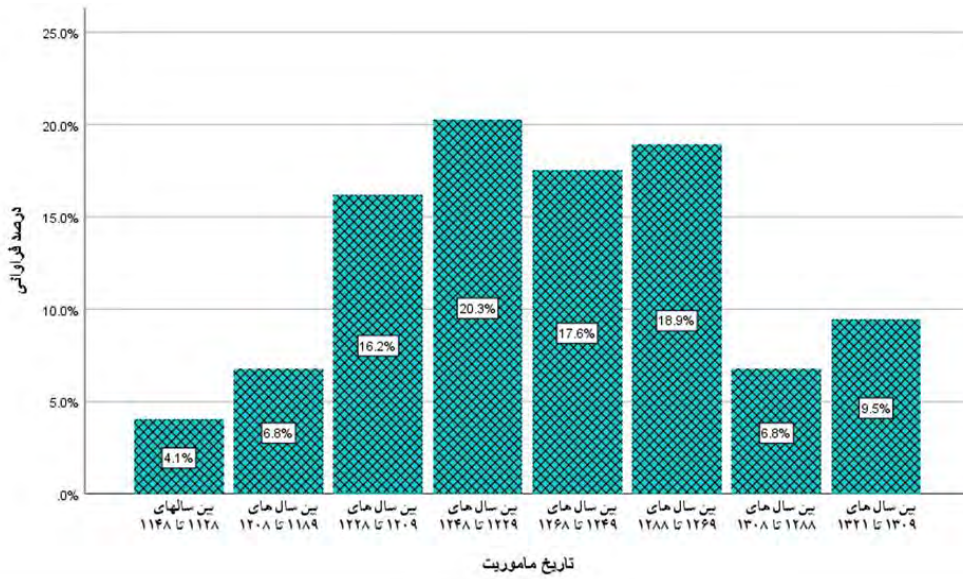


شکل ۳: مأموریت قراگوزلوها در شهرهای شمال و غربی ایران (منبع: مؤلف)

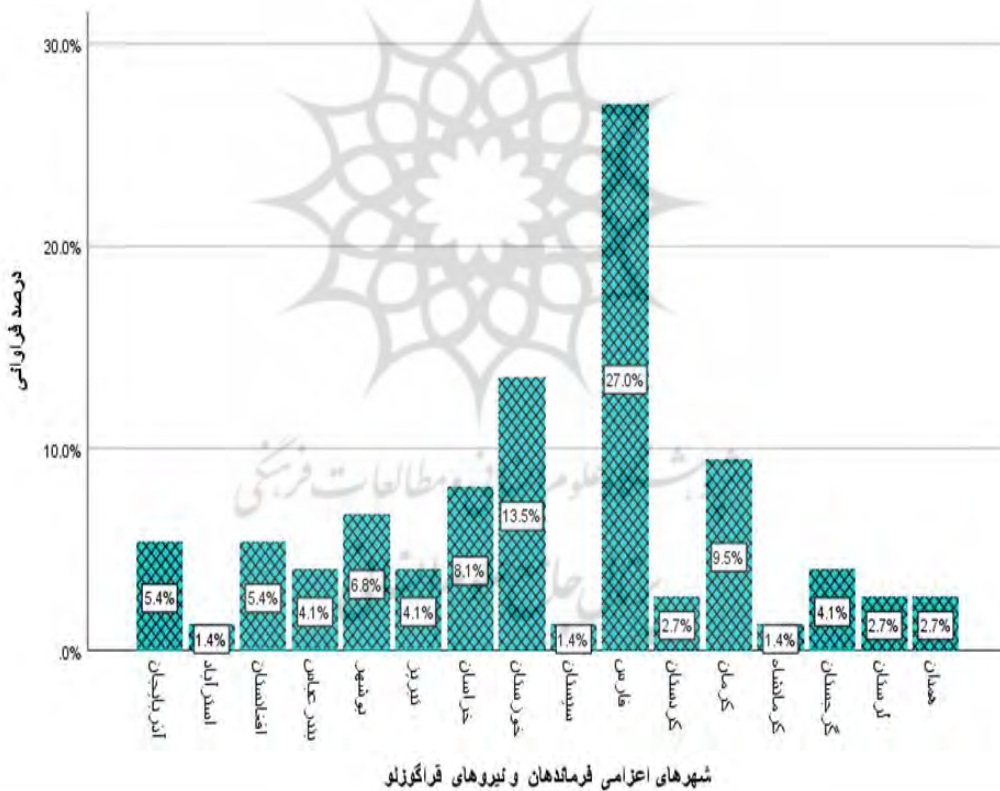
تحلیل فراوانی مأموریت‌های نظامی قراگوزلوها در دوره قاجاریه نشان می‌دهد که تعداد این مأموریت‌ها پس از ۱۲۰۹ هجری قمری و در اواخر دوران آغامحمدخان، افزایش یافته و در دوران فتحعلی‌شاه (۱۲۲۹-۱۲۴۸ هجری) به اوج خود رسیده است، به طوری که حدود ۲۰٪ از مأموریت‌ها در این دوره انجام شده است (بنگرید: شکل ۴). پس از آن، روند کاهش مأموریت‌ها شروع شد که ممکن است به تغییرات نظامی، سیاسی و اقتصادی کشور مرتبط باشد؛ از جمله ضعف حکومت، شروع جنگ با روسیه و بحران‌های داخلی مانند قحطی و شورش‌ها. توزیع جغرافیایی مأموریت‌ها نشان می‌دهد نیروهای قراگوزلو بیشتر در نواحی استراتژیکی و مرزی فعال بودند، در حالی که در مناطق کم‌تهدید، حضور کمتری داشتند. این الگو بازتاب‌دهنده تمرکز سیاست نظامی در کنترل مناطق حساس، مقابله با دشمنان خارجی و امنیت داخلی در دوره قاجاریه است.

نتیجه‌گیری کلی نشان می‌دهد که فعالیت‌های نظامی قراگوزلوها در دوره قاجاریه به شدت به اهداف استراتژیکی و حساس جغرافیایی مرتبط بوده است. مناطق مرزی و کلیدی مانند آذربایجان، کرمان، خراسان و مناطق غرب و جنوب غربی در توزیع مأموریت‌ها نقش مهمی ایفا کرده‌اند و حضور این طایفه در نواحی دارای اهمیت نظامی، بیانگر اولویت بخشی به کنترل مرزها و مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی است. همچنین، افزایش فعالیت‌ها در اوج دوره قاجاریه و کاهش آن پس از آن، منعکس‌کننده تحولات سیاسی، نظامی و اقتصادی کشور و نشان‌دهنده تمرکز سیاست‌های دفاعی بر مناطق دارای تهدیدهای عمده است. در مجموع، یافته‌ها

نقش قراقرزها را به عنوان عناصر کلیدی امنیت و تثبیت مرزی در استراتژی کلی دوره قاجاریه تأیید می‌کند.



شکل ۴: تعداد مأموریت‌های فوج‌های قراقرزها (منبع: مؤلف)



شکل ۵: تعداد شهرهای محل مأموریت قراقرزها (منبع: مؤلف)

منابع

- سرجان ملک‌م (۱۳۸۰). *تاریخ کامل ایران*، ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، تهران: افسون.
- اذکایی، پرویز (۱۳۶۶). «قره گزله‌های همدان»، *مجله آینده*، سال سیزدهم، شماره ۴ و ۵.

- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان (۱۳۶۷ش)، تاریخ منتظم ناصری، به کوشش محمد اسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.
- افشار، ایرج (۱۳۸۰). دفتر تاریخ مجموعه اسناد و منابع تاریخی، تهران: انتشارات دکتر محمود افشار.
- ایروانی، آبراهام (۱۳۹۳). تاریخ جنگ‌ها: گزارش نبردهای ایران و عثمانی پس از سقوط صفویه (۱۷۲۱-۱۷۳۸)، ترجمه فاطمه اورجی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- بیات، بابزید (۱۳۸۲). تذکره همایون و اکبر، مصحح محمد هدایت حسین، تهران: انتشارات اساطیر.
- بیگدلی، غلامحسین (۱۳۷۲). تاریخ بیگدلی‌ها، ج ۱ و ۲، تهران: بی‌نا.
- جهانگیر میرزا (۱۳۸۴). تاریخ نو، به تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: نشر علم.
- خاوری شیرازی، میرزا فضل‌الله (۱۳۸۰). تاریخ ذوالقهرنین، به تصحیح ناصر افشارفر، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خسروی، ابوزر؛ الوندی، رضا (۱۳۹۷). «فرایند کنشگری نظامی و انتظامی قراگوزلوها از دوره تیموریان تا افشاریان»، فصلنامه مطالعات تاریخ انتظامی، سال پنجم، شماره نوزدهم، ۱۹.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین (۱۳۸۰). تاریخ حبیب‌السیر، تهران: نشر خیام.
- خورموجی، محمد جعفر (۱۳۴۴). حقایق الاخبار ناصری، به تصحیح حسین خدیو جم، تهران: زوار.
- رشوند، محمدعلی خان (۱۳۷۶). مجمل رشوند، به تصحیح منوچهر ستوده و عنایت‌الله مجیدی، تهران: میراث مکتوب.
- سرابی، حسین بن عبدالله (۱۳۶۱). سفرنامه فرخ خان امین الدوله: مخزن الوقایع، به تصحیح کریم اصفهانیان و قدرت‌الله روشنی، تهران: اساطیر.
- ظهیرالدین نیشابوری، خواجه امام (۱۳۳۲). سلجوقنامه، تهران: نشر خاور.
- عین‌السلطنه، قهرمان میرزا سالور (۱۳۷۴). روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، به تصحیح مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- فسایی، حاج میرزا حسن حسینی (۱۳۸۲). فارستامه ناصری، به تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر.
- قراگوزلو، غلامحسین (۱۳۸۱). هگمتانه تا همدان، تهران: اقبال.
- قزوینی، محمد طاهر وحید (۱۳۸۳). تاریخ جهان‌آزای عباسی، مصحح سید سعید میر محمد صادق، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- قمی، احمد بن شرف‌الدین (۱۳۸۳). خلاصه التواریخ، مصحح احسان اشرافی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کاشانی، قاضی احمد (۱۴۱۴ق). تاریخ نگارستان، مرتضی مدرس گیلانی، تهران: کتابفروشی حافظ.
- کرمانی، ملا محمد مومن (۱۳۸۴). صحیفه الارشاد، مصحح محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: نشر علم.
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۴). چهل سال تاریخ ایران، به تصحیح ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- ملکم، سر جان (۱۳۸۰). تاریخ کامل ایران، ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، تهران: افسون.
- موسوی اصفهانی، محمدصادق (۱۳۶۳). تاریخ گیتی‌گشا، تصحیح سعید نفیسی، تهران: اقبال.
- نائینی، محمد جعفر (۱۳۵۳). جامع جعفری، تصحیح ایرج افشار، تهران: انجمن آثار ملی.

- نصیری، محمد ابراهیم (۱۳۷۳). دستور شهریاران، تصحیح محمد نادر نصیری مقدم، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- واله، محمد یوسف (۱۳۸۲). ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر ملی.
- الوندی، رضا؛ آقاجری، سیدهاشم و ملائی توانی، علیرضا (۱۳۹۸). «واکاوی خاستگاه و تبار تاریخی قراقرزلوها با تأکید بر دوره سلجوقیان»، تاریخ نامه ایران بعد از اسلام، دوره ۱۰، شماره ۲۰، ۲۱-۱.
- هدایت، رضاقلی خان (۱۳۷۳). فهرس التواریخ، به تصحیح عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.

